

سرچشمه دانش رازی در صنعت کیمیا

نگارش

دکتر مهندس حسنعلی شیبانی

- ۴ - ترجمه «قصص و حکایات المرضى» تألیف ابوبکر محمدبن زکریای رازی - تهران ۱۳۴۳ خورشیدی؛
- ۵ - ترجمه «کتاب الجدی والحصبه» (آبله و سرخک) تألیف ابوبکر بن محمد زکریای رازی تهران سال ۱۳۴۴ هجری خورشیدی .
- یکی دیگر از دانشمندان آقای محمد تقی دانش پژوه است که کتاب «الاسرار» و «سر الاسرار» رازی را پس از مقابله و تصحیح بچاپ رسانیده است (تهران سال ۱۳۴۳ هجری خورشیدی).
- دیگر دکتر مهدی محقق است که کتاب «السیرة الفلسفیه» تألیف ابوبکر محمدبن زکریای رازی را به ترجمه استاد فقید عباس اقبال در سال ۱۳۴۳ هجری خورشیدی در تهران بچاپ رسانیده است .
- همچنین کتاب «المدخل التعليمی» تألیف محمد زکریای رازی که بکوشش دکتر حسنعلی شیبانی ترجمه و تشریح شده بود، در سال ۱۳۴۶ توسط دانشگاه تهران بچاپ رسیده است .
- اکنون پس از اینکه در حدود یک قرن علمای مغرب زمین درباره پیدا کردن نسخه های گم شده کتابها و رساله -
- درسی ساله اخیر دانشمندان ایرانی برای شناختن و شناساندن رازی کوشش های فراوانی کردند و کتابهای زیادی درباره رازی بزبان فارسی بچاپ رسیده است و جنب و جوش محسوسی برای نشر آثار و تشریح و ترجمه آنها بزبان فارسی بوجود آمده است .
- یکی از کسانی که در این زمینه سهم بسزائی دارد استاد فاضل دکتر محمود نجم آبادی است که از سال ۱۳۱۳ هجری خورشیدی تا کنون کتابها و مقالات زیادی برای شناساندن مقام علمی رازی بچاپ رسانیده و سخنرانیهای چندی در این باره در مجامع علمی ایران و خارج از کشور نموده است .
- کتابهای زیر را این دانشمند رازی شناس بچاپ رسانیده است :
- ۱ - «شرح حال و مقام طبی محمد زکریای رازی پزشک نامی ایران» - چاپ تهران سال ۱۳۱۸ خورشیدی؛
- ۲ - «یک نابغه بزرگ ایرانی» - تهران سال ۱۳۳۰ هجری خورشیدی؛
- ۳ - «مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی» تهران ۱۳۳۹ هجری خورشیدی؛

های رازی و ترجمه و تشریح آنها با کثر زبانهای خارجی کوشیده‌اند، در سرزمین ایران یعنی زادگاه این دانشمند بلند پایه ایرانی، نهضتی برای شناختن و شناساندن رازی بوجود آمده است و حتی زمزمه‌ای از ایجاد کانونی برای رازی شناسی بگوش میرسد، تا علاقمندان بتوانند در آنجا گرد هم جمع شوند و درباره آثار این نابغه بزرگ ایرانی پژوهش و بررسی کنند.

هر چند تا کنون این جنبش‌های ایرانی جنبه بین‌المللی پیدا نکرده است، ولی امید آن میرود که در سایه کوشش و جد دانشمندان ایرانی مرکز رازی شناسی دنیا در ایران بوجود آید.

مطلبی که از نظر ایران شناسی شایان اهمیت است، بحث درباره سرچشمه دانش رازی در صنعت کیمیا است. در این باره علمای مغرب زمین پژوهشهای ژرفی کرده‌اند و طبق نظر عده‌ای از محققان معلم رازی علی ابن ربن یا ابن ربن یا ابن زیل از اهل طبرستان بوده است. درباره دوران تحصیلی رازی و تاثیر مکتب‌های مختلف در دوران تحصیلی وی اخبار زیادی در دست نیست.

همینقدر میتوان گفت که در مکاتب طبرستان زادگاه ابن ربن و یاد رگندی شاپور در خوزستان وجود داشته، علمای حرانی یا صابئین و نستوریان علوم طبیعی و کیمیا را تدریس میکردند و معلم رازی حتماً از این دانشمندان کسب فیض کرده است.

رازی در کتابهای خود از علمای حرانی و صابئی نام میبرد. مثلاً در کتاب الشواهد یکی از صابئین بنام «سلیم حرانی» اشاره کرده است.

صابئین و حرانیان در شمال بین النهرین در شهر حلب برای علوم طبی و کیمیا وی مدارسی ایجاد کرده و علوم کلدانیان و ایرانیان و مصریان و چینی‌ها را به آنجا منتقل کرده بودند و این علوم به میانجی آنان به کشورهای اسلامی منتقل شده است.

در کتاب «الشواهد» رازی که هنوز بچاپ نرسیده است، رازی نام علما و حکمای زیر را ذکر کرده است و اغلب به گفته‌های آنان استشهاد کرده است:

۱- هرمس- در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۴ شرح حال مختصری از هرمس آمده است. میگویند یکی از کاهنای معروف نمایشگاه عطارد در شهر بابل بوده است. بزبان کلدانی بستاره عطارد هرمس می گفتند.

بعضی میگویند که هرمس همان ادریس است. در الفهرست کتابهای هرمس بشرح زیر ذکر شده است: کتاب هرمس الی ابنه فی الصنعة - کتاب الذهب السائل - کتاب الی طاط فی الصنعة - کتاب عمل الغقود - کتاب الاسرار - کتاب الهازیطوس - کتاب الملاطیس کتاب الاسطاخس - کتاب ازمینس تلمیذ هرمس - کتاب نیلاس تلمیذ هرمس فی رای هرمس - کتاب الادخینی - کتاب مانوس لهرمس؛

۲- آغاذیمون (Aghathedemon) - در مذهب حرانیان دو شعبه وجود داشته است:

یک شعبه ستاره پرست بودند و از آغاذیمون پیروی میکردند و می گفتند: که آغاذیمون تعلیمات خود را از اخنوخ (Enoch) گرفته است. نام دیگر او راهرمس الپرامسه یا بیونانی (Hermes Trismegistos) یا هرمس مثلث یعنی هرمسی که شامل سه لطف خدایان شده بوده است.

۳- اسطانس (Ostanes) - در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۶ مینویسد: که اسطانس رومی و اهل اسکندریه بوده و از کتابهای او «کتاب محاوره اسطانس توهیر ملک الپند» را ذکر کرده است:

پژوهشهای اخیر روشن کرده است که چند دانشمند در سده‌های متفاوت بنام اسطانس یا استانس معروف بوده‌اند. مهم‌ترین آنها مغ ایرانی بوده که در همه کتابهای یونانی و مصری او را ایرانی خوانده‌اند و از او با احترام یاد کرده‌اند.

میگویند که وی در دربار خشیار شاه پادشاه هخامنشی بوده و بعدها به مصر رفته است و کاهن بزرگ فیایشگاه

۴۹۷ سفیدس آمده است و معلوم نیست این نام همان سفیدس باشد؟
۲۱- مهرارس (Mahraris) - در کتاب الفهرست نام
مهرارس در صفحه ۴۹۷ آمده است، ولی معلوم نیست این
نام از کس است؟

۲۲- ابو ذوفیر - در جایی دیگر این نام دیده نشده است.

۲۳- سلیم حرانی - در الفهرست نام حرابی ذکر
شده، ولی معلوم نیست این همان شخصی باشد؟

۲۴- بلاخص (Balakhus) - در الفهرست صفحه ۴۹۸

۴۹۸ کتاب «رسائل بلاخص فی الصنعة» آمده است.

از این نامهایی که در کتاب الشواهد ذکر شده است،
چنین معلوم میشود که رازی احاطه بزرگی به گفته‌ها و نوشته
های دانشمندان قبل از خود داشته و نظر آنها را بسیار
محترم شمرده و به گفته آنها استشهاد کرده است. متأسفانه
چون از این دانشمندان علم کیمیا اطلاعات زیادی در دست
نیست و اکثر کتابهای آنها از بین رفته، نمیتوان باین نکته
پی برد که رازی چه مطالبی را از این دانشمندان گرفته است.
رازی چون بحس قوی زبان یونانی میدانسته است،

بانوشته‌های کیمیاوی یونانی مستقیماً آشنا بوده و از
آنها استفاده کرده است. بعضی روش مخصوص کیمیاگران
یونانی را رازی نیز بکار برده است و شاید بتوان این
مطلب را دلیل بر آشنائی رازی با کیمیاگران یونانی دانست.

رازی در کتاب های خود فلز «آهن چینی» الخازن
الصینی، را جزو هفت فلز آورده و جیوه را جزو ارواح دسته
بندی کرده است. این مطلب تأثیر حرانیان را در رازی
نشان میدهد و معلوم میسازد، که رازی از اصول افکار حرانیان
یا صابئین استفاده کرده است.

مطلب دیگری که شایان بسی توجه و پژوهش است
و اغلب دانشمندان اروپائی به آن اشاره کرده اند، وجود
نامهای زیاد فارسی برای افزارها و داروها در کتابهای
کیمیاوی رازی است. این موضوع نشان میدهد که رازی
قسمتی از معلومات خود را از روی کتابهای فارسی و یا شاید

پهلوی که در دسترس خود داشته، گرفته است. مطلبی که
یولیوس روسکا به آن توجه مخصوص کرده، بکار بردن
نوشادر در بسیاری از دستورالعمل‌های رازی است.

نوشادر با این وصف و تعریف در کتابهای کیمیاگران
یونانی و مصری وجود ندارد و بهمین جهت باید نتیجه
گرفت که این قسمت‌ها را رازی از کتابهای ایرانی که از
زمان ساسانیان هنوز در دسترس او بوده، اتخاذ نموده است.
متأسفانه کتابهای کیمیاوی دوره ساسانیان مفقود
شده اند و نمیتوان درباره آنها فعلاً بحث نمود، ولی از این
اشارات میتوان فهمید، که علم کیمیا در زمان ساسانیان اهمیت
زیادی داشته است و کتابهای زیادی از آن دوره تا زمان
رازی باقی بوده است.

تنها کتابی که از آن زمان بجا مانده است «رسالة جاماس
حکیم الی اردشیر فی السرا المکتوم و هی عجمیه فیها منقولة
من فارسیة الی عربیه» است که در کتابخانه رامپور نزدیک
دهلی باقی مانده است و هنوز مورد تحقیق قرار نگرفته است.
دانشمند آلمانی یولیوس روسکا (Julius Ruska)
به این نکته اشاره کرده که نوشادر از ایران به سایر کشورها
رفته و در علم کیمیا ایرانیان قبل از اسلام اهمیت زیادی
داشته است.

رازی هم نوشادر کلر را در بسیاری از دستورالعمل‌های
خود بکار برده و از آن «ماء النوشادر» یا آمونیاک و
«دهن النوشادر» یا جوهر نمک تهیه کرده است. در اثر
حرارت دادن (تقطیر یا تصعید) نوشادر بازاج‌ها مخلوطی
از جوهر گوگرد و سولفات دامونیوم و املاح مس و یا آهن
تهیه نموده است. این مطالب در کتاب الاسرار رازی در
بسیاری از دستورالعمل‌ها شرح داده شده است و از روی آنها
میتوان حدس زد که قسمت عمده دانش رازی بر پایه
دانش ایرانیان قبل از اسلام قرار گرفته و رازی آن
معلومات را با علوم یونانی و مصری و حرانیان توأم و تلفیق
کرده بوده است.